

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ می ۲۰۲۳

"گرگ گرسنه خود را به دیده شیر می زند!"

سه شنبه- ۱۲ ثور ۱۴۰۲ - کابل: در یادداشت امروز توجه شما را به یکی از بدبختی های دیگر باشندگان کابل و شاید هم سایر شهر های کشور جلب می نمایم. این بدبختی افزایش هندسی و سرسام آور میزان سرقت و دزدی در شهر کابل است. چه علی رغم آن که رسانه ها اجازه و جرأت ندارند تا در آن مورد چیزی بنویسند و تهیه هرنوع گزارشی در این زمینه از جانب طالب و نظام ملاسالار مطلقاً ممنوع اعلام شده، آن را نمودی از تخریب نظام می دانند، با آنهم خبر این سرقت ها سینه به سینه و دهان به دهان در اسرع وقت در شهر پخش شده، یکی از بزرگترین ادعا های طالب را که گویا بیشتر از تمام قدرتهای اشغالگران موفق شده اند امنیت را در شهر ها قایم نمایند، بشدت زیر سؤال می برد. اما نخست ذکری از یک قرینه تاریخی:

گویند زمانی که "امیر تیمورگورگانی" بعد از دهه ها ویرانی و فقدان حاکمیت های مرکزی و مسؤول سرانجام قادر شد خود را از بین ده ها و صد ها رقیب خرد و بزرگ مغول، تاجیک، تاتار و ترک به مثابه قدرت برتر تثبیت نماید و به یک تعبیری از ۷۵۱ هجری شمسی و به تعبیر دیگر از ۷۵۸ هجری شمسی حاکمیت بخشی از دنیای شناخته شده آنروز از دهلی تا قفقاز را در پی تهاجمات خونباری که رقم تلفات آن را بیش از ۱۷ میلیون انسان تخمین می زنند، تحت سیطره خود در آورد و الی ۷۸۳ هجری شمسی- زمان مرگش- حاکمیتش را چنان استوار سازد، که کودکی با یک خورجین طلا می توانست شهر ها و بیابانها را پشت سر گذارد، کسی از وی پرسید:

"ای امیر" صاحب قران" چه شد که بعد از چندین دهه فقدان نظم و قانون که خراسان زمین در بی امنیتی غرق شده بود، تو قادر شدی طی این مدت کوتاه چنین نظم و امنیتی را در سراسر قلمروت حاکم نمائی؟"

امیر در پاسخ گفت:

"رسیدن به این هدف زیاد سخت نبود. در هر جائی که دزدی و عدم امنیت مشاهده نمودم، سر داروغه شهر را زدم. زیرا وقتی در یک جائی امنیت از بین می رود از دو حال خارج نیست: یا داروغه شهر خواب است و به وظایفش که تأمین امنیت است عمل نمی کند و یا هم خود با دزدان شریک است و سرجوال را با آنها می گیرد که در هر صورت واجب القتل می باشد"

هرگاه خواسته باشیم با منطقی که امیر تیمورگورگانی یعنی یکی از موفق ترین سلاطین سده هشتم هجری شمسی مطرح می نماید به قضایا بنگریم و بر مبنای آن حکم صادر نمائیم، واضح است که فقدان امنیت جانی و مالی مردم و ایجاد

فضای نا امن برخاسته از موجودیت طالب و سیاست‌هایست که در افغانستان اعمال می نمایند. یعنی یا آنها چنان در باتلاق قدرت غرق شده اند که دیگر چیزی به نام انجام وظیفه را نمی شناسند و یا هم خود در تمام موارد به مثابه شریک دزدان عمل نموده، با آنها سرچوالم را می گیرد که به گام اغلب چنین است.

هموطنان گرامی!

این که بگوئیم طالب را خواب برده است با در نظر داشت زندگی روزانه و کنترل شدیدی که در جامعه حاکم ساخته اند، موجه به نظر نمی آید، مگر این که خود آنها یعنی همان "داروغه" های عصر تیموری در سرقت و جنایت و چپاول سهیم باشند، امری نیست که بتوان آن را تکذیب نمود.

آنچه در این بحث بیشتر از نقش امنیتی داروغه مهمتر است و چه بسا درک آن برای فردی که بیش از ۶۰۰ سال پیشتر از امروز زندگانی می نمود یعنی "امیر تیمور" قابل هضم و درک نبوده باشد، رابطه ایست که فقر و امنیت با هم دارند.

به نظر من درک همین رابطه چه در شرایط دیروز "امیر تیمور" و چه هم در شرایط کنونی حاکمیت "ملا غیبت الله" که جامعه در فقر و گرسنگی دست و پای می زند، بزرگترین و اساسی ترین عامل دزدی ها و سرقت های خرد و بزرگی که همه روزه در شهر صورت می گیرد فقر و گرسنگی مردم می باشد.

هموطنان گرامی!

من به هیچ وجه قصد ندارم در اینجا توجیه گر دزدی و سرقت اموال دیگران گردم اما را نیز نمی توانم نادیده بگیریم، در شرایطی که بیکاری و گرسنگی و فقر ناشی از آن در جامعه بیداد می کند و هزاران فردی که به امید یافتن یک کار و درآمد صبح خانه را در حالی ترک می نماید که دسترخوانشان خالی است و اطفالشان گرسنه، و همین افراد شام باز هم با دستان خالی مجبور اند به خانه برگردند و گریه و ناله اطفالشان را که از گرسنگی بی رمق افتاده اند، ببینند چه راهی برایش به جز دزدی باقی می ماند؟ لطفاً خودتان را در همان موقعیت قرار دهید، بعداً حکم نمائید! مگر نه این است که گفته اند: "گرگ گرسنه خود را به دیده شر می زند؟"

من نوشتم که دزدی را توجیه نمی کنم یعنی بردن نان فردی را که هیچ نقشی در گرسنه ماندن اطفال من ندارند نه تنها توجیه نمی کنم بلکه بشدت محکوم هم می نمایم، مگر اتخاذ چنین موضعی بدان معنا نیست که ناظر مرگ فرزندان بمانم و بگذارم دشمنان طبقاتی ام، یعنی آنهایی که من و خانواده ام و میلیونها هموطنم را به این روز انداخته اند، در کمال آسودگی از فرط سیری نتوانند بخوابند و سیستمی که چنین افرادی به وجود آورده و با تکیه بر آن ما را به کام مرگ می فرستند پای برجا بماند.

هموطنان گرامی!

راه نجات از دزدی و فقدان امنیت جانی و مالی عذر و زاری، استرحام و استمداد از طالب نیست که بیاید و امنیت را تأمین نماید، بلکه راه نجات از عدم امنیت، مبارزه علیه طالب، طالبیسم و حاکمیتی است که آنها به وجود آورده و فقر و گرسنگی را در جامعه تعمیم بخشیده اند. می توانید مطمئن باشید با از بین بردن طالب و طالبیسم گرسنگی و سرقت نیز از میان خواهد رفت.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ماسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!